

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

عبد اللطیف صدیقی لندری

امروز که از خواب برخاستم، کلیات حضرت میرزا عبدالقادر "بیدل" را باز کردم، چشمم به این مطلع غزل افتاد و هادی سخنم گردید:

عالم گرفتاری خوش تسلسلی دارد
جوش ناله زنجیر باغ سنبلی دارد

چهره گلنار

ناله سر دهد بلبل هر کجا گلی دارد
بلبلان جدا از گل کی تأملی دارد
صد بهار نازان است گلشن دل ما را
اندرین گلستان هم یار بلبلی دارد
از لبان لعل خود ساغری بنوشانم
آن لبان لعل تو ساز قلقلی دارد
جان به زلف مشکینت مدتیست در بندست
این دلم به بند او فکری کاکلی دارد
گفتمش نما رویت من فدای ابرویت
گفت عاشق مسکین کی تحملی دارد
پشت پرده بنشستی غافل از خرام خود
یک نگاه افگندن کی تنزلی دارد

مستی لب لعش آفت دل و دین است
نرگس دل آرایش ساغر مُلی دارد
بحر بیکرانش را در سفر ببیمودم
موج بی عنان او خوش توکلی دارد
کی به زلف پر چینش همسری کند سنبل
پیش زلف پیچانش کی تسلسلی دارد
سیرت ای لطیف اکنون عالم گرفتاریست
قد سرو موزونش باغ سنبلی دارد